

# نقش رسانه های دیداری و شنیداری در نظارت همگانی<sup>۱</sup>

سید نصراله ساداتی<sup>۲</sup>

## چکیده

از آنجا که محدوده جامعه جدید، فقط امکان حضور فیزیکی تعداد نسبتاً کمی از شهروندان را امکانپذیر می‌سازد، رسانه‌های همگانی به نهادهای اصلی حوزه عمومی و نظارتی تبدیل شده‌اند. در ساختار حقوق اساسی و قوانین جمهوری اسلامی، دستگاه‌ها و سامانه‌های نظارتی در کنترل کارآمدی مسئولان و جلوگیری از انحرافها و سوء استفاده آنان نقش مستقیمی دارند. در این راستا رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد در این حوزه در نظر گرفته می‌شود که از سوی مردم و به نمایندگی از آنها بر حاکمیت نظارت دارد. موضوع اصلی این نوشتار کارکرد مطبوعات و رسانه‌های دیداری و شنیداری در نظارت همگانی است. در این مقاله، که با روش اسنادی انجام شده، ابتدا با تعریف نظارت و انواع آن به کارکرد نقش رسانه‌های دیداری و شنیداری در نظارت همگانی پرداخته شده است. نظامهای رسانه‌ای و نظارت همگانی و نقش آنان در توسعه نظارت همگانی از جمله مباحثی است که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

## واژگان کلیدی

نظارت و رسانه، نظارت همگانی، رسانه و نظارت، حکومت دینی، رسانه‌های دیداری و شنیداری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۵، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۲۱

۲. پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، پست الکترونیکی: i.sadati114@gmail.com

## مقدمه

نظارت و چگونگی آن یکی از مباحث مهم و اساسی در مدیریت است که در اصلاح هر جامعه و سازمانی اثرگذار، و در مدیریت اسلامی بر آن تأکید جدی شده است. نظارت، شرط تحقق اهداف هر سیستم و یا هر مجموعه اجتماعی است که هدف وجودی آن اصلاح، بهبود و بهینه سازی کل آن نظام اجتماعی است. اعمال نظارت با سازو کارهای درونی و بیرونی محقق می شود. در اسلام موضوع نظارت در تمام سطوح و ارکان نظام اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس آموزه های دینی اولین سطح نظارت، نظارت عالی است که نظارت خدای سبحان است و تمام حرکات و سکنات را ثبت و ضبط می کند. در طول این نظارت، نظارت معصومین علیهم السلام قرار دارد. بر اساس آیات و روایات متعدد، ایشان بر رفتار تمامی انسانها ناظر هستند. سومین سطح نظارت در اسلام، که با عنوان تقوا از آن یاد شده، نظارت فردی است. انسان موحد همواره خود را در محضر خدا می بیند. بنابراین بر اساس تقوا و یقین قلبی بر رفتار خود کنترل دارد. سطح دیگر نظارت در اسلام نظارت همگانی است. در نظارت همگانی، افراد جامعه بر رفتار یکدیگر و بویژه حاکمان نظارت دارند. نظارت در اسلام تنها در چهارچوب وظائف دولت و حکومت خلاصه نمی شود، بلکه تمام افراد جامعه موظفند براساس تکلیف شرعی بر امور اجتماعی و رفتار افراد و اطرافیان نظارت داشته باشند. در حکومت اسلامی این نظارت جایگاه ویژه ای دارد. در مسئولیت افراد نظام دینی از مسئولیت دولت جدا نیست. در این راستاست که نظارت همگانی از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود. نظارت همگانی در حکومت اسلامی نمونه ای از اعمال حق حاکمیت ملی، مشارکت در اداره کشور و استفاده از حق نقد و اعتراض است. بر این مبنا رسانه ها در نظام دینی از ابزارهای توانمندی هستند که بخوبی می توانند فرایند نظارت همگانی را در جامعه نهادینه کنند. رسانه های چاپی، همچون روزنامه ها و رسانه های دیداری و شنیداری به دلیل توانایی بالقوه و بالفعل خود از قدرت سخت افزاری و نرم افزاری ویژه ای برای نظارت همگانی برخوردارند. رسانه ها در حکومت اسلامی با توجه به رسالت مربی بودن، چشم و گوش کشور هستند و طبق اصل هشتم قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف آنهاست. اعمال نظارت آنها بهترین روش برای حفظ نظام و جامعه از خطا و اشتباه است. این تحقیق درصدد پاسخگویی به تحقق مسئولیت نظارت همگانی مطبوعات، رادیو و تلویزیون در جامعه است.

## ۱. نظارت و انواع آن

نظارت با توجه به حوزه هایی که این بحث در آن انجام می گیرد، معنا و مفهوم ویژه ای می یابد. کلمه نظارت در لغت به فتح و کسر نون به کار می رود و ریشه آن "نظر" است. نظر در لغت به معنی مشاهده، تأمل و تفکر در چیزی یا امری آمده است. تعریف نظارت بر اساس بینش الهی، "مراقبت و زیر نظر قرار دادن نیروی انسانی و کارها به منظور حفظ سلامت و نیروی انسانی و مطلوبیت کارها

است" (میر محمدی، ۱۳۸۳، ۱۲). علما و دانشمندان حوزه های مختلف، تعاریف بسیار گوناگونی از کنترل ارائه کرده‌اند. بیشتر جامعه شناسان در تعریف "نظارت"، ابزار اهداف اجتماعی را مطرح کرده، و عناصری همچون ارزشها، ثبات، همنوایی و رعایت هنجارهای مطلوب و قوانین را به عنوان اهداف نظارت در تعاریف خود آورده‌اند. نوربرت وینر نظارت را چنین تعریف می‌کند: نظارت چیزی نیست جز فرستادن پیامهایی که به طور مؤثر، رفتار گیرنده پیام را تغییر می‌دهد. صاحب‌نظران دیگر از جمله گری دسلر اعتقاد دارند که هدف تمام سیستم های نظارتی تأثیر گذاشتن بر رفتار است (دعاگویان، ۱۳۸۶، ۲۳۴). پارسونز معتقد است، نظارت فراگردی است که به وسیله آن با رفتارهای منحرف مقابله، و ثبات اجتماعی حفظ می‌گردد (سیدجوادین، ۱۳۸۲: ۵۶). کارشناسان مدیریت، نظارت را یکی از وظایف مدیریت می‌دانند که با آن عملکرد واقعی برنامه با اهداف آن مقایسه می‌شود تا در صورت لزوم اقدامات اصلاحی انجام گیرد. در تعریفی دیگر کنترل و نظارت فعالیت است که ضمن آن عملیات پیش بینی با عملیات انجام شده مقایسه می‌گردد و در صورت وجود اختلاف و انحراف نسبت به رفع و اصلاح آنچه «باید» باشد و آنچه «هست»، اقدام می‌شود (صادقپور، ۱۳۸۶: ۱۵۹). در واقع نظارت و کنترل، مقایسه بین بایدها (آنچه در برنامه‌ریزی پیش‌بینی شده) و هست‌ها (آنچه انجام شده) را کنترل می‌کند (محمودی، ۱۳۸۶: ۵۵) که این کنترل در قالب استانداردهایی برای تحقق هدفها و ماموریت‌های سازمان تعیین می‌شود (الوانی، ۱۳۷۹: ۸۸). نظارت فرایندی در تحقیق است که لازم است از اصول علمی تحقیق بهره گیرد تا بتوان برپایه آن نتایج را براساس مبانی علمی تحقیق استوار کرد و قطعیت و روایی آن را افزایش داد. عدم درک مشترک مدیریت و دستگاه ناظر از این مفهوم و جایگاه رفیع نظارت و اصالت دادن هر بخش به خود و عدم توجه به تعامل این دو جایگاه، نظام نظارتی را به نظامی ناسازگار و ناهماهنگ تبدیل می‌کند. در نهایت استونر در جمع‌بندی، نظارت را این گونه بیان می‌کند: "نظارت، فرایندی سامانمند است که از طریق آن نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای عملکرد مشخص شده عملکرد با استانداردها مقایسه و انحرافها از استانداردها متمایز می‌شود و علل بروز آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت اصلاحات لازم برای رسیدن به هدفهای سازمان صورت می‌گیرد (استونر، ۱۹۸۳: ۵۹).

نظارت از حیث حدود و اختیار ناظر بر دو دسته نظارت استصوابی و استطلاعی تقسیم‌بندی می‌شود. در نظارت استصوابی، نظارت با حق دخالت همراه است و در مقابل آن در نظارت استطلاعی، ناظر تنها کسب اطلاع می‌کند و حق هیچ گونه دخالتی ندارد. در تقسیم بندی دیگری، نظارت از حیث مرجع نظارتی به نظارت بیرونی و درونی و از دیدگاه زمان به نظارت پیش از فعالیت، هنگام فعالیت و پس از فعالیت، تقسیم‌بندی می‌شود (کامرانی، ۱۳۸۰: ۲۰ - ۱۷). نظارت از حیث ماهیت به پنج دسته «نظارت همگانی، سیاسی، قضایی، اداری و سازمانی» تقسیم‌بندی شده است (کامرانی، ۱۳۸۰: ۲۷). نظارت بر اساس شرایط و مقتضیات به شکلهای «نظارت و کنترل موردی و نظارت و کنترل سیستمی» به لحاظ

زمانی «نظارت تصادفی و غیر مترقبانه» و «نظارت رسمی و از پیش تعیین شده» و به لحاظ اجرایی «نظارت پیش از اجرا در حال اجرا و پس از اجرا» تقسیم‌بندی می‌شود (رضاییان، ۱۳۸۰: ۲۳۶). نظارت در دسته‌بندی دیگری به دو بعد ایجابی و سلبی تقسیم‌بندی می‌شود. در بعد ایجابی ناظر به دنبال تحقق اهدافی است و سعی می‌کند که زمینه‌های لازم را برای تحقق آنها فراهم کند؛ اما در بعد سلبی ناظر به دنبال جلوگیری از موانعی است که بر سر راه و روند صحیح جریان کارها قرار دارد و نیز حذف و بر طرف کردن موارد فاسد شده و سد راه است (روزبه، ۱۳۸۳: ۴۳).

به طور کلی می‌توان نظارت را بر ده نوع دسته‌بندی کرد:

- نظارت اصلاح‌گرایانه که هدف اصلی آن نظارت، اصلاح و بهبود وضع موجود است.
- نظارت ایجابی که نظارت میان آنچه هست و آنچه باید باشد است.
- نظارت پیش (با سازوکار بازخورد که پس از عملیات صورت می‌گیرد).
- نظارت عینیت‌گرا که از نظر ذهنی دور شده باشد.
- نظارت سازمانگرا که با ماهیت سازمان متناسب است.
- نظارت واقع‌گرا که در آن توجه به واقعیات اصل است.
- نظارت غایت‌گرا که غایات و سرانجام را ملحوظ نظر قرار می‌دهد.
- نظارت حمل‌گرا
- نظارت نقش‌گرا
- نظارت فرهنگمدار (ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۶۵ - ۶۱).

موضوع نظارت و کنترل در اسلام در همه سطوح مدیریت به عنوان یک اصل مورد توجه قرار گرفته است. کارگزاران حکومت اسلامی در مقابل چهار مرجع «خدا، امام، مردم و نفس خود» مسئولند که این تفاوت اصلی حکومت اسلامی با سایر نظام‌های سیاسی جهان است.

## ۲. نظارت خداوند منان

خدا بر تمام اعمال و حرکات افراد نظارت مطلق دارد و هر مسلمانی قبل از هر چیز بر این باور است که رفتار و اعمال و حتی نیات او زیر ذره بین نظارت الهی قرار دارد و کوچکترین خطا یا ثواب او ثبت و ضبط می‌شود و چنانچه در این جهان به پاداش و یا مجازات اعمالش رسیدگی نشود در سرای باقی و ابدی، تمام رفتار او، چه گناه و چه ثواب، مورد رسیدگی دقیق قرار می‌گیرد و به سزای اعمال خود می‌رسد. اعتقاد به معاد و رسیدگی دقیق به اعمال و رفتار انسان و جزای خوب و بد در جامعه اسلامی، بخشی از وجود انسان را تشکیل می‌دهد و در جهت‌گیریهای رفتار انسان و چگونگی آن نقش اساسی دارد. به همین دلیل هر اندازه این باورها در جامعه اسلامی بیشتر در عمق ذهن و جان انسانها نفوذ کند، به همان میزان، خطا و گناه کاهش پیدا می‌کند و کمتر به سایر اهرم‌های اساسی نظارت و کنترل نیاز

پیدا می‌شود. این نظارت نامرئی درونی یکی از تفاوت‌های اساسی نظارت بین جامعه اسلامی و جوامع مادی است که در اعتقاد مردم جای گرفته است. خداوند در قرآن با به کار بردن الفاضلی به قدرت مطلق ناظر بودن خود تأکید می‌کند، که در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### ۲-۱. علم خداوند

علم بی‌منت‌های خداوند و مصاداقتها بسیاری از آن در آیات متعددی بیان شده و نشانگر این است که هیچ نیت و گفتار و کرداری از علم خداوند پنهان نمی‌ماند و در نتیجه، نظارت کامل و بی‌بدیلی از ناحیه خالق هستی، اعمال می‌شود:

- «و کفی بالله علیماً» (انفال: ۷۵). خداوند به هر عمل و فعلی علم دارد.

- «و الله علیم بما یعلمون» (یوسف: ۱۹) و یا «و الله علیم بما یفعلون» (نور: ۴۱)

#### ۲-۲. مراقبت خداوند

خداوند مراقب همه چیز و به طور خاص، مراقب عملکرد انسان است:

- «و کان الله علی کل شیء رقیباً» (احزاب: ۵۲)، «ان الله کان علیکم رقیباً» (نساء: ۱)

#### ۲-۳. عین بودن خداوند

خداوند در برخی از آیات نظارت با واژه «عین» و «اعین» به نظارت خود بر عملکرد انسان تأکید می‌کند.

- «واصبر لحکم ربک فانک بأعیننا» (طور: ۴۸): بر حکم پروردگارت صبر کن که تو منظور نظرمایی.

- «تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر» (قمر: ۱۴): آن کشتی که زیر نظر ما حرکت می‌کرد، کیفری بود برای کسانی که کافر شده بودند.

#### ۲-۴. شهادت خداوند

خداوند شاهد همه چیز و به طور خاص، شاهد عملکرد انسان، و شهادت او برای انسان کافی است:

- «ان الله علی کل شیء شهید» (حج: ۱۷)

- «وکفی بالله شهیداً» (نساء: ۷۹ / اسراء: ۹۶ / رعد: ۴۳)

#### ۲-۵. بصیر و خبیر بودن خداوند

خداوند به همه چیز به بندگانش و به آنچه انجام می‌دهند، بصیر و آگاه است:

- «انه بکل شیء بصیر» (ملک: ۱۹)، «و الله بصیر بالعباد» (آل عمران: ۱۵)، «ان الله بما تعملون بصیر» (بقره: ۱۱۰)

#### ۲-۶. محیط بودن خداوند

خداوند به همه کائنات و اعمال انسان احاطه دارد:

- «و كان الله بكل شى محيطاً» (احزاب: ۱۲۶)، «ان الله بما يعملون محيط» (آل عمران: ۱۲۰) پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که خداوند به همه اعمال، رفتار و گفتار پنهان و آشکار، غایب و حاضر، گذشته و حال و آینده ما علم و آگاهی دارد. این نظارت مطلق از دیدگاه جهان بینی دینی عامل بسیار مهمی در بازدارندگی از خطا و اشتباه می‌شود و اینجاست که انسان موحد همواره خود را در دایره دید خدا می‌بیند و با این یقین «ألم يعلم بأن الله يرى» (علق: ۱۴) مراقبت ویژه‌ای بر خود دارد.

### ۳. نظارت امام

عرضه اعمال به محضر وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم «عجل الله تعالی فرجه الشریف» اثر تربیتی فوق العاده‌ای دارد. شیعه عاشقی که می‌داند محبوبش هر لحظه او را زیر نظر دارد و به اعمال و رفتار او نظارت می‌کند، می‌کوشد در عملکرد خود دقت بیشتری به خرج دهد. در فرهنگ قرآنی در کنار نظارت خدا بر نظارت رسول و اولیا تأکید شده است. شیعیان در زیارت روز جمعه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین مخاطب قرار می‌دهند: «السلام عليك يا عين الله في خلقه» سلام بر چشم خدا بین مخلوقاتش.

«رميله» یکی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل می‌کند: «سخت بیمار شده بودم تا اینکه روز جمعه قدری احساس سبکی کردم. با خودم گفتم بهتر است آبی به صورت بزنم و به امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نماز بخوانم؛ به مسجد رفتم. هنگامی که حضرت بالای منبر می‌رفتند دوباره حالم بد شد. هنگام بازگشت حضرت علی علیه‌السلام از مسجد به محله قصر تشریف بردند و من نیز ایشان را همراهی کردم و همراه ایشان به آن محله رفتم.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام به من فرمودند: ای رميله، دیدم که از درد به خود می‌پیچیدی. گفتم: بله یا امیرالمؤمنین و جریان بیماری خود را برای ایشان تعریف کردم و از انگیزه حضور در نماز با آن حضرت سخن گفتم. حضرت فرمودند: ای رميله هیچ مؤمنی بیمار نمی‌شود مگر اینکه ما هم درغم او غمگین می‌شویم و ناراحت نمی‌شود مگر اینکه ما هم درغم او غمگین می‌شویم و هیچ دعایی نمی‌کند مگر اینکه به دعای او آمین می‌گوییم و سکوت نمی‌کند مگر اینکه ما برایش دعا می‌کنیم. عرضه داشتم یا امیرالمؤمنین فدایت گردم، این مطلب به کسانی مربوط است که با شما در این مکان هستند، اما کسانی که در اطراف و اکناف زمین زندگی می‌کنند چطور؟! فرمودند: ای رميله هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما غائب نیست» (صفار، ۱۳۸۱، ج ۱، باب ۱۶: ۸۹).

امام خمینی (ره) در سخنان خود در مورد عرضه اعمال بر امام زمان (عج) می‌فرمایند: تمام ذرات کارهای ما تحت نظر خدای تبارک و تعالی است و نامه اعمال ما به حسب روایات به امام وقت عرضه می‌شود و ایشان مراقب ما هستند (صحیفه نور، ج ۱۸: ۱۷ و ۱۸). توجه داشته باشید که کارهایتان جوری نباشد که وقتی بر امام زمان (ع) عرضه شد، خدای نخواست، آزرده بشوند و پیش ملائکه الله یک قدری

سرافکنده بشوند که اینها شیعه‌های من هستند؛ اینها دوستان من هستند و برخلاف مقاصد خدا عمل کردند. رئیس یک قوم اگر قومش خلاف بکند، آن رئیس منفعل می‌شود (صحیفه نور، ج ۱۲: ۱۲۸). طوری باشد که نامه‌ها وقتی عرضه می‌شود، ایشان را متأثر نکند (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۲۴). بر همین اساس، امام خمینی (ره) با تمام وجود تأکید می‌کنند: من خوف دارم که کاری بکنیم که امام زمان (ع) پیش خدا شرمنده بشود. اینها شیعه تو هستند این کار را می‌کنند! نکند یک وقت خدای نخواسته، یک کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته‌ها، سر افکنده شویم؟! نوشته‌های ملایکه‌الهی که مراقب ما هستند، رقیب هستند، هر انسانی، رقیب دارد و مراقبت می‌شود. ذره‌هایی که بر قلبهای شما می‌گذرد، رقیب دارد. چشم ما رقیب دارد. گوش ما رقیب دارد. زبان ما رقیب دارد. قلب ما رقیب دارد. کسانی که مراقبت می‌کنند اینها را، نکند که خدای نخواسته از من و شما و سایر دوستان یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان (ع) باشد، مراقبت کنید از خودتان، پاسداری کنید از خودتان (صحیفه نور، ج ۷: ۲۶). از بیان این مطالب می‌توان به این نتیجه رسید که به طور کلی بررسی هفتگی و روزانه رفتار باعث دقت بیشتر انسان می‌شود و از طرفی اثر تربیتی بسیار مثبتی دارد. اگر انسانها بدانند رفتارشان مورد دقت و نظارت کسی است که در رأس همه قرار دارد و آن امام بزرگوار و مهربانی است که همواره دلسوز اوست، حتماً توجه خواهد کرد تا اعمالش مطابق رضایت ایشان قرار گیرد.

#### ۴. نظارت فردی

سامانه خود نظارتی قویترین سامانه کنترلی است که در نظام ارزشی اسلام به آن توجه ویژه شده است. انسان به دلیل انسانیت خود همواره در معرض خطر است. او از درون با خطر فراموشی و نسیان، غرور و تکبر، دنیا طلبی، خود خواهی، حب نفس و... و از بیرون با انواع وسوسه‌های شیطانی روبه‌رو است. لذا مراقبه و محاسبه برای عبور از این راه پر سنگلاخ توصیه اکید استادان اخلاق است. موضوع خودکنترلی به عنوان نوعی کنترل، که بدون هزینه و مشکلات دیگر گونه‌های نظارت است، می‌تواند بیشترین اثربخشی و کارایی را داشته باشد. اسلام برای انسان جایگاهی ویژه‌ای قائل است که در هیچ مکتب دیگری نظیر آن را نمی‌توان یافت. در سفارشی از امیرمؤمنان آمده است، حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا وَ زُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا : قبل از اینکه به حساب اعمال شما برسند، خود به آن بپردازید (شیخ طوسی، ج ۱: ۳۴).

این گونه انسان مؤمن، عالم را محضر خدا می‌داند و خود را در محضر او از معصیت به دور نگه می‌دارد و بر همین مبناست که علمای اخلاق این نظارت را بالاترین نظارتها می‌دانند.

## ۵. نظارت همگانی

مفهوم نظارت همگانی پیشینه‌ای دیرینه دارد. در دموکراسیهای دولت - شهرهای یونان باستان بویژه شهر آتن، رگه‌هایی از مفهوم نظارت همگانی را می‌توان دید؛ چرا که شهروندان از طریق انتخابات شورایی و مجالس عمومی (به نام الکزییا) بر عملکرد صاحب منصبان نظارت می‌کردند و به عزل و نصب آنان می‌پرداختند که همین روش به نظامهای سیاسی غربی در عصر جدید نیز راه یافت (محمودی، ۱۳۸۶: ۵).

در نظام دموکراسی و جوامع به اصطلاح دموکراسی تأکید بر جامعه مدنی و قدرت نهادهای مدنی مستقل از دولت برای این است که قدرتی هم عرض دولت پدید آورند تا نقش توازن قوا را بر عهده گیرد. باید تأکید کرد وقتی همه ملاکهای ایمانی و انسانی فاقد اعتبار شد، تنها ملاکی که باقی می‌ماند، همین سازوکار است که در نهایت تولید نظم ماشینی است به گونه‌ای که هر کس در این ماشین، جایگاه و وظیفه‌ای خاص بر عهده می‌گیرد تا کسی از حدود خویش پا را فراتر نهد. البته این بیان، دلیل بر ناکارآمدی نیست، بلکه عدم کفایت را تأکید می‌کند. در نظامی که براساس آموزه‌های دینی و با نام حکومت اسلامی تشکیل شده است، نظارت بدین شکل را کامل نمی‌داند. نظارت در حکومت دینی تنها به نظارت نهادها بر یکدیگر خلاصه نمی‌شود بلکه پا را فراتر از نظارت دولتی می‌گذارد. همان‌گونه که اشاره شد، امروزه در جوامع مدرن و پیشرفته، اصل نظارت همگانی به عنوان اصلی مهم و اساسی در مسیر جوامع و حکومتها پذیرفته شده است؛ هر چند اصل نظارت همگانی در جوامع به اصطلاح متمدن و دموکراتیک غربی مورد پذیرش واقع شده و به اجرا درآمده است. در نظام اسلامی مسئولیت افراد از مسئولیت دولت جدا نیست. اگر دولتها جامعه را اداره می‌کنند، مردم نیز عنصر ذی‌نفع همان جامعه هستند و نتیجه خوب و بد اعمال و رفتار دولتمردان مستقیماً متوجه آنان می‌شود. بنابراین به حکم عقل، این حق و تکلیف برای همه ایجاد می‌شود که به کار زمامداران خود نظارت کنند تا از انحراف آنان از مسیر حق، عدالت و تقوا جلوگیری کنند. شهروندان در زندگی روزانه گام به گام، ناظر و با قاطعیت، داور اقدامهای مسئولان نظام سیاسی هستند که وظیفه دارند قوانین و تصمیم‌های سیاسی و اداری و قضایی را به اجرا گذارند. حکومت شونده‌گان درباره چگونگی اجرای این تصمیم‌ها، سستی‌ها و قاطعیت‌های مسئولان اداری و سیاسی و قضایی، بیطرفی یا جانبداری آنان نظر می‌دهند و داوری می‌کنند (امامی، ۱۳۸۲: ۲۵). در نظام‌های مردم‌سالاری غیردینی آنچه نهایتاً اثبات می‌شود، «حق» شهروندان برای نظارت بر حاکمیت و نهادهای برخاسته از آن است. این واقعیت از تأملی دوباره در متونی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر آشکار می‌شود. اما مردم‌سالاری دینی آن را نه تنها «حق»، که «حکم» شرعی و «تکلیف» مردم می‌داند و این نکته تفاوت بنیادین میان این دو است (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۵۸). در تاریخ اسلام نمونه‌های فراوانی از این دست هست که می‌توان بدرستی به آنها استناد کرد. این نظارت در حکومت حضرت علی(ع) از جایگاه مهمی برخوردار بوده است؛ به عنوان نمونه وقتی آن



حضرت، عبدالله بن عباس را به عنوان حاکم بصره می‌گمارد از مردم می‌خواهد فقط تا هنگامی که حاکم براساس قرآن و سنت (قانون آن زمان) عمل می‌کند از او اطاعت، و در صورت تخلف آن را گزارش کنند تا عزل او را شاهد باشند. این اولین بنیان نظارت مردمی است که در حکومت امام علی (ع) با روشنی و شدت بیشتری تداوم پیدا کرد (شهیدی، ۱۳۷۱: ۳۴۵).

نظارت همگانی در دو بخش جداگانه «امر اجتماعی و مسائل شخصی» و «امور سیاسی و حیاتی» قابل بررسی است. نظارت در امور اجتماعی و فردی، نه تنها خدشه‌ای بر حقوق و آزادیهای مشروع افراد وارد نمی‌سازد، بلکه در جهت تأمین آسایش، امنیت و آزادیهای فردی و جمعی اشخاص خواهد بود. بنابراین شائبه هرج و مرج با ترسیم وظایف قانونی افراد، منتفی خواهد شد. ایجاد نظارت در امور سیاسی و حیاتی که عاملان آن، غالباً دارای نفوذ و از قدرتمندان جامعه هستند با مشارکت مؤثر مردم در اداره کشور و تصمیم‌گیریها و رواج نقد و انتقاد سازنده و تشکیل نهادهای مردمی غیردولتی نظیر شوراها و... از طریق مطبوعات و رسانه‌ها و... تضمین خواهد شد (عبدالله‌پور، ۱۳۸۲: ۱۴۵). نظارت همگانی اثری روشن، فعال و تأثیری بلند مدت در کنترل جامعه، کنترل حکومت و حاکم گرداندن قانون و تقویت نظام به منظور فراهم آوردن سعادت تام برای ابنای امت بر جای می‌گذارد. با استفاده از نظارت همگانی، که بر فرضیه و تکلیف «امر به معروف و نهی از منکر» متکی است، می‌توان بیشتر جنبه‌های عملکرد را تحت نظارت آورد؛ زیرا نظارت همگانی به نوعی نظارت همه جانبه و فراگیر است. استاد شهید مرتضی مطهری با اشاره به آموزه‌های پرشمار نهج‌البلاغه این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که «در منطق این کتاب شریف، امام و حکمران، امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنها هستند. از این رو اگر بنا باشد (حکمرانان و مردم) یکی برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است نه توده محکوم برای حکمران» (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۱۶، ص ۴۴۹).

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول اساسی دین اسلام است که بر حوزه زندگی اجتماعی تأثیری عمیق و گسترده دارد. حکمت نهفته این اصل مهم دینی در مدنی الطبع بودن انسان است؛ زیرا انسانهای اجتماعی از نظر سلوک، رفتار و عقاید، اثر متقابل بر یکدیگر دارند و انحراف فردی هر یک از اعضای جامعه یا اجتماع را به دنبال می‌آورد. بنابراین حفظ و پاسداری جامعه در مقابل هر گونه فساد و تباهی عقلاً اجتناب‌ناپذیر و شرعاً واجب است. در جامعه اسلامی از صدر اسلام، پیامبر گرامی اسلام (ص) و یاران و اصحاب ایشان و نیز پیشوایان معصوم (ص) از امر به معروف و نهی از منکر در جهت پاسداری از اصول مکتب به مثابه مؤثرترین ابزار و نیز تکلیف الهی بهره گرفته‌اند؛ مسلمانان آن را وظیفه الهی خود دانسته و به اجرای این فرضیه بزرگ پایبند بوده و اهمیت خاصی برای آن قائل بودند (کامرانی، ۱۳۸۰: ۶۵). از لحاظ سیاسی نیز این اصل همچون ابزار جلوگیری از برقراری حکومت‌های ظالم و استبدادی عمل می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر در این خصوص وظیفه‌ای همگانی است که براساس آن مردم نسبت به دولت و یکدیگر و هم چنین دولت نسبت به مردم تکلیف دارند که برای نفی

منکرات و نشر معروفها اقدام کنند. فرضیه امر به معروف و نهی از منکر، اصلی کاملاً ابتکاری است و به اسلام اختصاص دارد که از شاهکارهای قوانین اسلامی به شمار می‌رود و قبل از اسلام در جوامع بشری سابقه نداشته است. اسلام به پیروان خود واجب کرده است که در برابر آنچه در جامعه می‌گذرد، بی‌اعتنا نباشند. قرآن به صراحت تأکید می‌کند بهتر بودن شما امت به این اصل ابتکاری وابسته است:

"کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله": شما بهترین امت بوده‌اید که برای بشریت به وجود آمده، کارهای شایسته را ترویج می‌کنید و جلو کارهای زشت را می‌گیرید و به خدا ایمان دارید (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰).

این فریضه دو کار ویژه را در باب نظارت بر قدرت انجام می‌دهد: یکی "ایجاد فرهنگی مطلوب و مناسب براساس رواج معروف و منع منکر" و دیگری "مهیار مستقیم قدرت، بویژه قدرت سیاسی و حاکمان برای اطمینان از کاربرد قدرت در مسیر حق و عدالت". بنابراین امر به معروف در دو بعد از حیات اجتماعی صورت می‌گیرد و دو نوع نظارت را به وجود می‌آورد: یکی نظارت مدنی یعنی نظارت بر قدرت و دیگری نظارت سیاسی یعنی نظارت بر قدرت سیاسی (روزبه، ۱۳۸۳: ۱۱۹). امر به معروف در سطح عامه و مدنی هر دو بعد نظارت را شامل می‌شود: هم بعد مثبت رفع موانع تحقق خوبیها و آرمانها و هم بعد منفی که دفع بدیها و زشتیها را در نظر می‌گیرد. قرآن به خوبی با اشاره به این دو بعد نظارتی، رستگاری و نجات را متضمن آن می‌داند: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون»: از شما امتی پدید آید دعوت‌کننده به خوبیها، تشویق‌کننده به کارهای شایسته و به دور دارنده از بدیها این چنین کسانی رستگار هستند (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۰۴). مارسل معتقد است اسلام بخوبی «من فردی» را به «من اجتماعی» مبدل ساخته و مصلحت جامعه را به سود شخصی برتری داده است (روزبه، ۱۳۸۳: ۸۳). البته این من اجتماعی را با محبت و مودت ایجاد می‌کند و این گونه است که مورد رحمت الهی قرار می‌گیرند. «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و یطعیون الله و رسوله اولئک سیر حمهم الله ان الله عزیز حکیم»: مردان و زنان مؤمن دوست و یاور و سرپرست یکدیگرند؛ به هر کار نیک فرمان می‌دهند و از هر کار زشت منع می‌کنند و... آنها ایند که به زودی مشمول رحمت خدا خواهند شد (سوره مبارکه توبه، آیه ۷۱). اسلام این گونه با طرح نظارت همگانی به یک حقیقت سالم و حیاتی در سرنوشت انسانها و پیشرفت و انحطاط جوامع بشری اشاره می‌کند و تأکید دارد که در حکومت اسلامی نیز این نظارت فراگیر هیچ محدودیتی ندارد و مشمول همه ارکان قدرت می‌شود. امام (ره) در نقطه مقابل به خطر و تهدید ترک این اصل مهم نظارت همگانی تأکید می‌کند و می‌فرماید: «... و بدرستی گفته شده است که هر مقام غیر معصومی که در وضع غیر قابل انتقاد قرار گیرد هم برای خودش خطر است و هم برای اسلام» (صحیفه نور، ج ۸، ۴۷). مقام معظم رهبری نیز در این خصوص می‌فرماید: «هیچ کس فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با

رهبری. بنابراین همه باید نظارت بشوند. نظارت بر آن کسانی که حکومت می‌کنند، چون حکومت به طور طبیعی به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است برای اینکه امانت به خرج بدهند و سوء استفاده نکنند و نفسشان طغیان نکند این کار لازم و واجب است و باید هم باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹).

## ۶. رسانه‌ها و نظارت همگانی

رسانه‌ها به عنوان یکی از اجزای قدرتمند جامعه مدنی و تأثیرگذار بر افکار عمومی نقش‌های سیاسی و غیر سیاسی مهمی برعهده دارند که یکی از عمده‌ترین آنها نظارت و واداشتن حکومت به پاسخگویی است. اینکه از رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم مردم سالاری نام برده می‌شود به این دلیل است که در کنار ارکان سه گانه دیگر یعنی افکار عمومی، فعالیت گروه‌ها و انتخابات سهم عمده‌ای در مردمی ساختن حکومتها و جلوگیری از فاصله میان جامعه و حکومت دارند. در مورد تأثیر وسایل ارتباطی بر پیام و تمامی فرآیند ارتباط و هم چنین جامعه و محیط پیرامونشان، باورهای بسیاری هست. برخی از خنثی بودن و صرفاً حامل بودن این وسایل یاد می‌کنند و اینکه این وسایل بر مخاطبان خود تأثیر چندانی ندارند. برخی دیگر عقیده دارند که وسایل ارتباط جمعی چنان قدرتی دارند که می‌توانند نسلی تازه را برای اولین بار در تاریخ انسان پدید آورند و جامعه جدید از این وسایل چنان تأثیری شگرف برمی‌گیرد که ماهیتش تابعی از آن می‌شود. این امر بیانگر نوعی فن سالاری است که بر اساس آن ابزار ساخته شده توسط انسان، تعیین کننده ارزشهای هستی اجتماعی است و یا این امر موجب پیدایش قشر جدیدی از انسانها می‌شود که با شناخت خاصی که از این وسایل دارند به صورت قدرتهای تازه تجلی می‌کنند و تعادل موجود در هرم قدرت را به هم می‌زنند و نتیجه آن نوعی از خود بیگانگی و تهی شدن انسان است (ساروخانی، ۱۳۶۷: ۸ و ۲۷ و ۶ و ۸۳). همان طور که از واژه media یا رسانه برمی‌آید، رسانه‌های جمعی از چند لحاظ میانجی هستند: یکی اینکه غالباً میان ما به عنوان دریافت کننده و آن بخش از تجربه بالقوه‌ای قرار می‌گیرند که خارج از ادراک یا تماس مستقیم ما است دوم ممکن است میان ما و سایر نهادهایی که با آن سر و کار داریم (قانون، صنعت، دولت و غیره) قرار گیرند. سوم امکان دارد پیوندی میان این نهادهای گوناگون ایجاد کنند. چهارم رسانه‌ها مجراهایی هستند که توسط آنها دیگران با ما و ما با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم و پنجم اینکه غالباً رسانه‌ها با فراهم آوردن اسباب و لوازم به ادراک ما از سایر گروه‌ها، سازمانها و رویدادها شکل می‌دهند (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۸۳). رسانه‌ها چشمداشت‌های پذیرفته شده جامعه را متبلور می‌کنند و تنبیهات نمادینی را برای رفتارهای نابهنجار در نظر می‌گیرند. وزن بخشی معنایی به رفتارها، نگرشها و باورهای مخاطبان، هدف اصلی رسانه‌هاست (معمد نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۴). یکی از موضوعات کلیدی در نظارت همگانی رسانه‌ها، نوع نظامهای رسانه‌ای است. نوع نظامهای رسانه‌ای بر کارکرد نظارتی رسانه‌ها بر دولت‌ها و حاکمیت تأثیر مهمی دارد. به طور

کلی، نظام رسانه‌ها مفهوم پیچیده‌ای است. در تعریفی نظام‌های رسانه‌ای «ترکیبی از سخت‌افزار، نیروی انسانی و شیوه عمل رسانه‌های کشور» تعریف شده است (وردی نژاد، ۱۳۸۷). بر اساس نظریه هنجاری رسانه‌ها، چهار نظام رسانه‌ای «اقتدارگر»<sup>۱</sup>، «آزادگیر»<sup>۲</sup>، «کمونیستی شوروی»<sup>۳</sup> و «مسئولیت اجتماعی»<sup>۴</sup> مطرح است. در نظام رسانه‌ای آمرانه، رسانه‌ها وسایلی در دست قدرت حاکم باقی می‌مانند و از دیدگاه آنان در نظام رسانه‌ای کمونیستی شوروی، رسانه‌های آزاد و مستقل، نهادهای پرهزینه، لوکس و تفرقه‌افکن بودند که به خواسته‌های مردم توجهی نداشتند. آنها معتقد بودند اگر رسانه‌ها، تحت کنترل و نظارت حکومت باشند، می‌توانند بر وظایف جدی سازندگی ملی متمرکز شوند. نظریه آزادی‌گرایی از دیدگاه آنان، «نظارت فوق‌قانونی بر عملکرد دولت» است و رسانه‌ها باید مراقب کارگزاران دولتی باشند تا از مقام خود سوء استفاده نکنند و پا را از حدود خود فراتر نهند و برای اینکه این کار را بخوبی انجام دهند، لازم است که از هرگونه سلطه و کنترل دولتی دور باشند (سایبرت و پترسون<sup>۵</sup>، ۱۹۵۶: ۳-۱۱). در نظام رسانه‌ای مسئولیت اجتماعی شش کارکرد به رسانه‌ها نسبت داده می‌شود. طرفداران این نظریه معتقدند: اگرچه اصول آزادی‌گرایی ممکن است اساساً منطقی باشد، اجرای آنها در جوامع پیچیده معاصر، نیازمند نوعی کنترل است. این کنترل بهتر است از سوی خود رسانه‌ها باشد و دولت، حالت نظارت بر اجرای قوانین را داشته باشد (معمدنژاد، ۱۳۸۶: ۲۳۰). ریموند ویلیامز با طبقه‌بندی نظام رسانه‌ای به آمرانه، پدرسالار<sup>۱</sup>، دموکراتیک<sup>۲</sup> و تجاری<sup>۳</sup> اولین کسی بود که پس از انتشار کتاب چهار نظریه ارتباطی به انتقاد از آن می‌پردازد (وایتنی<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸: ۳۵). او نظام پدرسالار را همان نظام آمرانه می‌داند، اما نوعی نظام آمرانه با وجدان و معتقد است در حالی که متولیان نظام آمرانه ادعای حق حکومت دارند، گردانندگان نظام پدرسالار، وظیفه راهنمایی و حمایت برای خود قائلند. در نظام پدرسالار نیز کنترل هست ولی کنترلی که در جهت پیشرفت اکثریت مردم است. نظام دموکراتیک پیشنهادی ویلیامز درباره اداره و مدیریت رسانه‌ها به گونه‌ای است که در آن هیچ نوع کنترل دولتی بر رسانه‌ها اعمال نمی‌شود (ویلیامز<sup>۵</sup>، ۱۹۷۶: ۱۳۹-۱۳۲). در دسته‌بندی دیگری، فرناندو ترو معتقد است: «برای کشورهای در حال توسعه، مبارزه با فقر و بی‌سوادی اهمیت زیادی دارد و باید کوشش‌های فرهنگی و اقتصادی زیادی صورت گیرد تا شرایط برای تحقق آزادی رسانه‌های آنها فراهم شود» (همان: ۱۶). «رالف

- 
1. Authoritarian
  2. Libertarian
  3. Soviet Communist
  4. Social Responsibility
  5. Sibert, Peterson and Scheramm
  1. Paternal
  2. Democratic
  3. Commercial
  4. Whitney
  5. Williams

لوونشتاین»<sup>۶</sup> محقق دیگری است که طبقه‌بندی چهار نظریه رسانه‌ها را مورد بازنگری قرار داد. به عقیده او، نظر آنان کامل نیست و در همه نظامهای رسانه‌ای صدق نمی‌کند (وایتنی، ۱۹۸۸: ۲۷). جان مریل الگوی نظامهای رسانه‌ای لوونشتاین را واقع‌بینانه‌تر و پیچیده‌تر از الگوی پیشنهادی سیبرت، شرام و پترسون می‌داند، اما باز هم آن را غیر قطعی می‌داند. به اعتقاد او، تمام نظامهای رسانه‌ای در دنیا می‌توانند روی این دایره جایی داشته باشند به این صورت که اگر بخواهیم از نقطه اقتدار به سوی آزادی برویم، دو مسیر را ممکن است انتخاب کنیم: یا از طرف راست به سوی آزادی حرکت کنیم و یا از طرف چپ. اگر از طرف چپ حرکت کنیم در مسیر حرکتمان به ترتیب به نظامهای کمونیستی، نظام سوسیالیسم دولتی و نظام سوسیال دموکراتیک برمی‌خوریم و اگر از طرف راست بخواهیم به آزادی برسیم بر سر راه، نظامهای فاشیسم، سرمایه‌داری دولتی و سرمایه‌داری دموکراتیک را خواهیم دید (میریل<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹: ۴۲).

«هربرت آلتشول»<sup>۲</sup>، نیز اصطلاحات به کار گرفته شده در کتاب چهار نظریه رسانه‌ها را به دلیل دارا بودن بار ارزشی رد می‌کند و به جای عناوین سیاسی آن کتاب، عنوانهای جهان اول، جهان دوم و جهان سوم را به کار می‌برد؛ به عبارتی طبقه‌بندی آلتشول از نظامهای اداره رسانه‌ها بر محور اقتصاد می‌چرخد و نه سیاست (وایتنی، ۱۹۸۸: ۱۷). آلتشول، جهان اول را همان غرب می‌داند که با عنوان «بازار» به فعالیت مشغول است. جهان دوم یا جهان شرق را با محتوای مارکسیستی می‌بیند و جهان سوم یا جنوب را یک جنبش «در حال ترقی» می‌شناسد (آلتشول<sup>۳</sup>، ۱۹۸۱: ۲۲). ویلیام هاگتن محقق دیگری بود که با افزودن دو نظام جدید «انقلابی» و «توسعه‌ای»، نظامهای رسانه‌ای جدیدی را ارائه کرد (هاچتن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۱: ۳۲). نظام مطلوب رسانه‌ای از دیدگاه «رابرت پیکارد»<sup>۵</sup>، نظام «سوسیال دموکراتیک»<sup>۶</sup> عنوان شده است که قدرت نظارت بر حاکمیت را دارد. پیکارد می‌گوید «نهایتاً در چنین نظامی، مالکیت و مدیریت رسانه در اختیار عموم مردم و به صورت غیر انتفاعی، بنیادها و شرکتهای غیرانتفاعی، کارکنان رسانه‌ها و سایر سازمانهای جمعی خواهد بود و از رسانه‌ها می‌توان در جهت نشر و ترویج عقاید، آرزوها، ستایش‌ها، انتقادات از جامعه و دولت استفاده کرد (پیکارد<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹: ۲۵). «دنيس مک کوئیل»<sup>۸</sup>، محقق برجسته امریکایی نیز با انتشار کتابی در فصل پنجم آن با عنوان «نظریه‌های هنجاری ساخت و کارکرد رسانه‌ها»<sup>۹</sup> به بررسی نظامهای ارتباطی دنیا پرداخت. وی نظریه‌های هنجاری را به شش دسته

---

6. Raloh Lowenstein

1. Merril

2. Herbert Altshul

3. Altshul

4. Hachten

5. Robert Picard

6. Social Democratic

7. Picard

8. Denis Mcquil

9. Theory of Media Structure Normative and Performance

آمرانه، رسانه‌های آزاد، مسئولیت اجتماعی، رسانه‌های شوروی سابق، رسانه‌های توسعه بخش و مشارکت دموکراتیک رسانه‌ها تقسیم بندی می‌کند (مک کوائل، ۱۳۸۲، ص ۱۶۲). تعریف مک کوئیل از چهار نظریه اول، همان تعاریف معمول از این نظریه‌ها بوده است. مک کوئیل در واقع با افزودن دو نظریه به طبقه‌بندی چهارگانه معروف استادان امریکایی، گامی بلند در جهت تکامل بخشیدن و به‌روز کردن اولیه طبقه‌بندی مربوط برداشته است. به نظر او، پیدایی نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش به دلیل وضعیت خاص کشورهای جهان سومی و عقب‌ماندگی شدید آنهاست (محسنیان راد، ۱۳۷۳: ۱۸ و ۱۷). جان کین، نیز در الگوی مطلوب خود از رسانه‌ها می‌کوشد با ارائه نظام رسانه‌های غیرحکومتی و غیر بازاری، آرمانهای با ارزشی همچون «آزادی رسانه‌ها و ارتباطات» را احیا کند. او در مورد نظام رسانه‌ها، الگویی سه‌گانه شامل «نظام رسانه‌ای قدرت محور»<sup>۱</sup>، «نظام رسانه‌ای بازار محور»<sup>۲</sup> و «نظام رسانه‌ای خدمت محور»<sup>۳</sup> ارائه می‌کند. به اعتقاد او نظام رسانه‌ای خدمت محور درصدد توانمندسازی مجموعه فراوانی از شهروندان است؛ شهروندانی که نه تحت حاکمیت دولتهای غیردموکراتیک هستند و نه تحت تأثیر نیروهای غیردموکراتیک بازاریاند (کن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱: ۲۷۳). به باور او، چنین الگویی به گسترش جامعه مدنی می‌انجامد (همان، ۱۹۹۱: ۲۵۴). او معتقد است باید از طریق نظارت عمومی درصدد برآمد تا رسانه‌های کاپیتالیست را در شبکه‌ای تار عنکبوتی از وظایف مالی و قانونی و پاسخگویی در برابر مردم گرفتار کرد (همان، ۱۹۹۱: ۲۵۷).

## ۶. مطبوعات و نقش آنان در توسعه نظارت همگانی

به اجمال باید پذیرفت که رسانه‌های گروهی و به طور خاص، مطبوعات می‌توانند آداب و رسوم و ارزشهای حاکم بر اجتماع را علاوه بر تبیین و توضیح برای مخاطبان خود، مورد نقد و بررسی نیز قرار دهند. مطبوعات در جوامع مختلف در فرهنگ سازی جامعه با توجه به تمدن و آداب و رسوم حاکم بر مردم و نخبگان آن جامعه کارکردهای متفاوتی دارد. یکی از ملموسترین و عینی ترین کارکردهای اجتماعی مطبوعات در جهان کنونی، جهت دهی به فرهنگ سیاسی جامعه است. با نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی معاصر بخوبی می‌توان دریافت که بسیاری از منازعات و کشمکش‌های سیاسی نوعاً با هدایت و پرچمداری مطبوعات به جریانات قوی سیاسی تبدیل شده و یا تعدیل شده و حتی به خاموشی گراییده است؛ از جمله مهمترین نقش مطبوعات در رشد و تعالی فرهنگ سیاسی جامعه، نظارت بر امور جامعه و حکومت است. مطبوعات به عنوان ابزاری مرتبط با اجزا و نهاد های اجتماعی، همواره ارتباطی دو سویه با نهاد حاکمیت از یکسو و توده‌های اجتماعی از سوی دیگر برقرار ساخته‌اند. به تعبیر دیگر ایجاد وسیله

1. Authoritarian Media Management System
2. Marketing Media Management System
3. Public Service Media Management System
4. Keane

ارتباط جمعی از یکسو به عنوان چشم و گوش جامعه می تواند از خوب و بد کارها اطلاع یابد و از سوی دیگر به عنوان آینه ای حقیقت نما و زبان گویای جامعه، اطلاعات خود را در معرض افکار عمومی قرار دهد. در این تعامل دو گانه، نقاط ضعف و یا قوت و صلاح نیز نمایان خواهد شد. رسیدن به این مقصود زمانی امکانپذیر است که مطبوعات ارائه اخبار و اطلاعات صحیح را در زمره مسئولیت و تعهد حساس خود به شمار آورد و از نشر اکاذیب و جنجالهای سوء تبلیغاتی بر حذر ماند. تنها در این صورت است که این رسانه ارتباط جمعی خواهد توانست در چهره مصلحی ظاهر شود که از سر دوستی و شفقت بر هموعان بر بدیها بخروشد و خوبیها را نمایان سازد و مورد تشویق و تمجید قرار دهد. این نظارت دو سویه مطبوعات بر نهاد حاکمیت و توده های اجتماعی، جلوه ای از همان اهتمام به امور مسلمین است که در روایات ما بر آن تأکید بسیار رفته است و از این حیث رسالت و تعهدی سنگینی را متوجه این رسانه عمومی می سازد. با توجه به کارکرد مهم مطبوعات می توان آن را از عوامل اساسی در دگرگونی ارزشهای فرهنگی و معیارهای ملی به شمار آورد. این ابزار اطلاع رسانی می تواند با ارائه مطالب آموزنده و علمی، سطح فرهنگ اجتماع را ارتقاء بخشد و آن را در مسیر رشد و توسعه قرار دهد. روزنامه ها می توانند با مطرح کردن دیدگاه ها، نگرشها و دانشهای گوناگون که دائم در حال تغییر است، وسیله انطباق مخاطبان را با ارزشها و نگرشهای نو فراهم سازند و ضمن پیوند دادن آنان با یکدیگر، علاقه و مشارکت آنان را در پیشبرد اهداف ملی برانگیزند. در راستای این وظیفه، باید تصویر جامع و کاملی از آنچه می گذرد در اختیار خوانندگان، شنوندگان و بینندگان خود قرار دهند (بدیعی، ۱۳۷۸: ۴۱۹). ولی در مقابل، این امکان نیز هست که با پرداختن به مطالبی با محتوای گمراه کننده و نا سالم، خود به قانونی برای انتشار فساد، بی بند و باری و باورهای ناسالم مبدل شوند. بر این اساس می توان دو رسالت عمده و اساسی را از جمله حیاتی ترین اهداف فعالیت این رسانه عمومی برشمرد:

۱- هدایت و رشد افکار عمومی

۲- مبارزه با انحرافات و جلوگیری از ناهنجاریها

حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) می فرمودند: «مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت را و جوانان را تربیت نمایند» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۲۳) و در جای دیگر از مطبوعات به عنوان بنگاه هدایت یاد می کنند که همچون مدرسه ای سیّار موظف به اطلاع رسانی دقیق و نیز جلوگیری از انحرافات هستند (همان، ج ۱۸، ص ۶۱). از دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، مطبوعات همچون دیگر ابزارهای رسانه ای و عمومی رسالت بسیار سنگینی بر عهده دارند؛ زیرا علمکرد آنان به مثابه تیغ دو دمی است که هم می تواند در جهت صلاح و هدایت و ارشاد جامعه عمل کند و هم در راستای فساد، ضلالت و گمراهی آن گام بردارد. ایشان رسالت مطبوعات را در مسیر مردمی بودن، توجه به مصالح عمومی، پرهیز از گمراه سازی و توطئه پردازی، اجتناب از اهانت به مقدسات و هم چنین با نقش انتقادی و سازنده همراه با حفظ وحدت ملی تبیین می کردند (صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۶؛ ج ۲۷، ص ۹ ج

۱۸، ص ۱۱۸-۱۱۳). نکته قابل توجه اینکه منظور از حفظ وحدت ملی الزاماً به معنای انکار اختلافات فکری و نظری و حتی ابراز مخالفت‌های سیاسی نیست، بلکه مراد این است که در مقام عمل و رفتار جمعی، می‌باید از تفرقه افکنی و جداسازی صفوف پرهیز کرد. جامعه آرمانی اسلامی، جامعه‌ای است که در آن همه افراد و گروه‌ها با برخورداری از انواع آزادی‌های قانونی، آن گونه که می‌خواهند فکر کنند؛ آن طور که می‌پسندند رفتار، و سلیقه خود را اعمال کنند و حتی اعتراضات و انتقادات سازنده خود را نیز بیان کنند؛ اما در عمل جمعی باید همگی از یک طریق ثابت پیروی نمایند و این مسئولیتی است که مطبوعات در تحقق و ساماندهی به آن نقش مؤثری دارند.

مطبوعات باید علاوه بر دارا بودن چشم‌بینا و گوش‌تیزبین، قدرت درک و تجزیه و تحلیل زمانی و مکانی را نیز دارا باشند. برخی از آسیب‌هایی که می‌تواند عملکرد مطبوعات را در مسیر نادرست سوق دهد در پیش گرفتن شیوه‌های مرسوم روزنامه‌نگاری غربی همچون روزنامه‌های زرد است. مطبوعات علاوه بر اینکه باید بدون هیچ نگرانی، وقایع جامعه اسلامی را به امت اسلامی اطلاع دهند، باید دقت داشته باشند که از مسیر راستی دور نشوند. حضرت امام (رحمه الله علیه) برای پرهیز دادن مطبوعات از ابتلا به چنین آفتی، همواره آنها را به حرکت در مسیر اسلام دعوت می‌کردند: "خط مشی را اسلام معین کرده است و ما تابع اسلام هستیم و آن این است که کلیه نشریات باید اسلامی باشند و منزله از انحرافات...» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۱۵). مطبوعات می‌توانند در هدایت افکار عمومی در جهت مثبت یا منفی تأثیرگذار باشند. آنها می‌توانند با هدایت افکار عمومی در جهت رشد و تعالی فردی و جمعی و در نهایت جامعه و کشور کوشا باشند.

#### ۱-۶. رادیو و تلویزیون و نقش آنها در نظارت همگانی

رادیو و تلویزیون بر خلاف مطبوعات جزء رسانه‌هایی هستند که در لحظه‌ای که پیام فرستاده می‌شود، همزمان مخاطب توان دریافت آن را دارد. به این ترتیب تأثیر گذاری این نوع رسانه بر شهروندان خیلی بیشتر از مطبوعات خواهد بود. ویژگی دوم و شاید مهمترین ویژگی این است که رادیو و تلویزیون، رسانه‌های شفاهی و دیداری هستند که برای دریافت پیام‌های آن به سواد یا تلاش مضاعف نیاز ندارد و با توجه به اینکه جامعه ایران هم جامعه‌ای شفاهی به شمار می‌رود، مخاطب این نوع رسانه به نسبت رسانه‌های دیگر چند برابر و شاید چند ده برابر باشد که این امر، اهمیت رادیو تلویزیون را به عنوان ابزار ارتباطی مشخص می‌کند.

براساس قانون، خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان مصوب ۱۳۶۱، برخی از وظایف رادیو و تلویزیون ترسیم شده است. بر اساس ماده ۱۵ این قانون، رادیو و تلویزیون زبان گویای ملت و چشم و گوش حساس کشور است، این رسانه باید به مثابه دانشگاهی عمومی به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه‌های گوناگون مکتبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کمک کند (ماده ۵)؛ از



این رو وظیفه دارد خواسته‌ها، نیازها و مشکلات مردم را به اطلاع مسئولان برساند و مردم را در جریان کامل فعالیتها، برنامه‌ها، پیشرفته‌ها و مشکلات نهادهای قانونی کشور قرار دهد. پذیرش انتقادات و نظر سازنده مردم و ایجاد رابطه متقابل با جامعه و منظور داشتن این وسیله به صورت جزئی از کل نظام اجتماعی به منظور غنی کردن برنامه‌ها (ماده ۹) از اهداف این رسانه است که باید در جهت وحدت و انسجام هر چه بیشتر جامعه و بر حذر داشتن مردم از پراکندگی و تفرقه (ماده ۸) و سرعت بخشیدن به اجرای برنامه‌های قوای سه گانه کشور (ماده ۱۴) صورت گیرد. بر همین مبنا بر اساس مواد ۳، ۲، ۱ همین قانون، حاکمیت اسلام، روح انقلاب و قانون اساسی " در شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی " و تحقق بخشیدن به بینش مقام رهبری به عنوان ولی فقیه بر تمام برنامه‌ها در تمامی ابعاد آن در برنامه‌های رادیو و تلویزیون متبلور باشد. در حوزه اطلاع رسانی براساس ماده ۱۶، صداوسیما با حضور دائمی خود در جامعه باید همواره منعکس کننده صدیق وقایع و رویدادهای مهم اجتماعی باشد و واقعیتها، رویدادها، فعالیتها و مسائل سراسر کشور را با توجه به اولویتهای منطقه‌ای به طور عادلانه (ماده ۱۷) به اطلاع مردم برساند. هم چنین آخرین اخبار و اطلاعات صحیح و مهم کشور و جهان را، که مفید و مورد نظر اکثریت مردم باشد به صورتی کوتاه و گویا منتشر کند (ماده ۱۸). البته در این وظیفه خطیر، محدودیتهایی نیز برای آن مشخص شده است؛ همچون انتشار " اسرار نظامی، سیاسی، اقتصادی کشور و یا اخباری که مورد سوء استفاده دشمن قرار می‌گیرد. " هم چنین اجازه پخش مواردی را ندارد که موجب " فساد اخلاقی و هتک حرمت جامعه و یا لطمه زدن به احساسات دینی، وحدت ملی و ایجاد تشنج در جامعه و وحدت بین المللی باشد و هم چنین تبلیغی برای گروه‌های منحرف و ضد انقلاب در جامعه شود. "

بر اساس ماده ۳۹ رسانه در برنامه‌های اجتماعی موظف است با توجه به نقش اساسی توده‌های مردم در انقلاب به طور فعال و گسترده، مردم را در صحنه مسائل اجتماعی و سیاسی کشور نگه دارد و بدین منظور براساس ماده ۴۰ رسانه وظیفه دارد در جهت تحقق رسالت «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه، روحیه انتقاد سالم و سازنده و انتقاد پذیری متواضعانه را در مردم، مسئولان و دست اندرکاران ایجاد کند؛ انتقادات مردم از مسئولان و توقعات آنها را از مردم بازگو نماید و با نفی روشهای تخریبی و ضد اسلامی، زمینه مناسبی برای جلسات بحث و گفتگوی آزاد و برخورد سالم اندیشه‌ها فراهم آورد تا مردم خود به انتخاب «احسن» بپردازند. براساس ماده ۴۸ در برنامه‌های سیاسی، رسانه موظف است در جهت ایجاد و تقویت زمینه‌های فکری و اخلاقی برای اجرای کامل قانون اساسی - که ترسیم کننده خطوط اساسی نظام جمهوری اسلامی است - تلاش کند و زمینه مناسب در جهت برگزاری بحثهای آزاد و آموزنده میان احزاب و سازمان‌های سیاسی قانونی کشور برای روشن شدن بینش‌های اصیل سیاسی اسلامی و تفاهم سیاسی و برخورد سالم میان این گروه‌ها را فراهم نماید (ماده ۵۵).

مواد ۱، ۲۹، ۹، ۲۲ اساسنامه مصوب هشتم ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی، اداره رسانه، تأسیس فرستنده، منابع درآمدی و وظایف و اختیارات رسانه را تبیین کرده است. به موجب ماده ۱ (فصل اول کلیات) این قانون، اداره صداوسیما مستقل است و زیر نظر قوای سه گانه کشور اداره می‌شود که البته بر پایه بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، نصب، عزل و استعفای رئیس سازمان با مقام رهبری تعیین شد و شورایی مرکب از نمایندگان قوا فقط نظارت بر سازمان را خواهند داشت که این نظارت شامل مسئولیت نظارت بر حسن اجرای تمام امور سازمان صدا و سیما و نظارت بر سیاستهای اجرایی که در نظر است در صدا و سیما به مرحله اجرا در آید. بر اساس ماده ۷ (فصل اول کلیات)، تأسیس فرستنده و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در هر نقطه کشور در انحصار این سازمان است و چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی به تأسیس یا بهره برداری از چنین رسانه‌هایی اقدام کنند از ادامه کار آنان جلوگیری به عمل می‌آید و تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت. هم چنین با توجه به اینکه رسانه باید نسبت به جریانهای سیاسی و اعلام فعالیت‌های آنان کاملاً بیطرف باشد بر اساس ماده ۲۹ همین قانون، کارکنان سازمان تا زمانی که در خدمت این سازمان هستند از هرگونه فعالیت سیاسی، حزبی و صنفی در داخل سازمان ممنوع خواهند بود. لازم به یادآوری است مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص چگونگی اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت در مصوبه‌ای، یک ماده و پنج تبصره به نظام رسانه‌ای کشور افزود. بر این اساس در صورت پخش مطالب خلاف واقع، شورای نظارت موظف است به مسئله رسیدگی کند و در صورتی که حق را به ذی نفع داد، نظر خود را به سازمان صداوسیما ابلاغ کند. سازمان صدا و سیما موظف است پاسخ ذی نفع را حداقل دو برابر مدت زمان مطالب اصلی که از پنج دقیقه کمتر نباشد و تا حداکثر ۲۴ ساعت پس از دریافت پاسخ در همان برنامه و ساعت و در همان شبکه به طور رایگان پخش کند.

بنیانگذار انقلاب، حضرت امام خمینی ره و مقام معظم رهبری نیز به گونه‌های مختلف، وظایف رادیو را یادآور شده‌اند. امام (ره) در اولین بیانات خویش بارها احساس نگرانی خود را نسبت به رسانه ملی بیان، و رادیو و تلویزیون را مهمترین بنگاهی عنوان کرده‌اند که باید اصلاح و متحول شود" (صحیفه نور، ج ۵، ۸۷) ایشان معتقد بودند حرکت این رسانه در این تحول باید به عنوان دستگاهی تربیتی در مسیر صحیح اسلام و آرمانهای انقلاب اسلامی قرار گیرد (صحیفه نور، ج ۵، ۱۶۳). در همین راستا مقام معظم رهبری در بیانی در حضور مسئولان رسانه ملی بر این موضوع تأکید، و عنوان می‌نمایند "شما مسئولان، عهده دار یکی از حساسترین و مهمترین وظایف این انقلاب و کشور هستید. مسئله رساندن پیام انقلاب، یکی از اساسی‌ترین مسائل انقلاب است که باید از طریق صداوسیما به گوش ملت برسد. از دیدگاه امام، رسانه ملی دانشگاه عمومی است که در تفسیر این کلام، مقام معظم رهبری، استراتژی این دانشگاه عمومی را تدریسهای اسلام ناب و اسلام انقلابی عنوان کردند: «آنچه در این دانشگاه تدریس می‌شود، عبارت از پیامها، پایه‌ها، مفاهیم و درسهای اسلام ناب و اسلام انقلابی و اسلام واقعی است (مرداد ۱۳۶۹).

حفظ استقلال در صدا و سیما با رعایت موازین دقیق شرعی از جمله نکات دیگری است که در همان اوائل انقلاب در دیدار با مسئولان صداوسیما در سال ۱۳۵۹ به عنوان استراتژی نظام رسانه‌ای کشور از سوی امام(ره) مورد توجه امام قرار گرفته است: «این دو دستگاه(صداوسیما) باید اسلامی شود. استقلالش را حفظ کنید. کسی اگر آمد و خواست یک چیزی را تحمیل کند، ابداً به آن اعتنا نکنید با استقلال و با قدرت، این دستگاه را راه بیندازید»(صحیفه نور، ج ۵، ۱۳۸) و در کنار این استقلال معتقد بودند باید با کمال بیطرفی همه انتقادات بیان شود: «رادیو و تلویزیون باید کاملاً مستقل و آزاد باشند و همه گونه انتقاد را با کمال بیطرفی منتشر سازد تا بار دیگر شاهد رادیو و تلویزیون زمان شاه مخلوع نگردیم(صحیفه نور، ج ۱۱، ۷۳). ایشان در کلام دیگری جهت این بیطرفی را بروشنی حرکت در مسیر اسلامی معنی کرده و بیان می‌کنند: «... بیطرفی وقتی معنی دارد که صدا و سیما اسلامی باشد»(صحیفه نور، ج ۱۳، ۱۳۱). در بخش دیگری از نظام رسانه‌ای کشور موضوع نظارت از دیدگاه امام مورد توجه جدی قرار دارد. امام(ره) با الهام از معارف دینی، نظارت بر تمام ارکان نهادهای سیاسی را وظیفه تک تک افراد جامعه و به طور خاص رسانه می‌دانند. با مراجعه به سیره عملی و نظری حضرت امام (ره) معلوم می‌شود که عنصر نظارت در درون نظریه ولایت فقیه ایشان حضور دارد و در مجموع فضای موسع نظارت را تأیید و ترویج می‌کند. این واقعیت، که از ۱۷۳ سخنرانی حضرت امام (ره) تقریباً ۸۱ مورد در زمینه رسانه‌ها بوده است، که از این میان ۶/۲ درصد صریحاً بر نقش نظارتی رسانه تأکید می‌کند، حکایت از اولویت و امنیت نظارت در اندیشه سیاسی امام (ره) دارد(فردین، ۱۳۷۸: ۹۴-۹۰). استثنا قائل نبودن امام برای هیچ فردی در بیانات ایشان تأکیدی بر این موضوع دارد: «همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من پام را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن...» (صحیفه نور، ج ۷، ۳۳) ایشان این حق مردمی را تا حد معزول کردن مسئولان در صورت عدم پاسخگویی مورد توجه قرار می‌دهند و تأکید می‌کنند: «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده‌ای بدهد. در غیر این صورت اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد خود به خود از مقام زمامداری معزول است» (صحیفه نور، ج ۸، ۱۹۰). مقام معظم رهبری نیز بر این موضوع تأکید می‌کنند: «هیچ کس فوق نظارت نیست، چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری. بنابراین همه باید نظارت بشوند(مقام معظم رهبری صبح صادق، ۱۳۸۲، شماره ۹۹).

## ۷. نتیجه گیری

امروزه بحث مشارکت سیاسی و نظارت مردم بر عملکرد حاکمان در نظامهای سیاسی یکی از مهمترین مسائل مطرح در جامعه‌شناسی است. در مدیریت اسلامی، شیوه‌های مختلفی برای اصلاح امور و تصحیح

انحرافات و کژیها توصیه شده است. بر این اساس مدیران و کارگزاران حکومت اسلامی در مقابل چهار مرجع " نفس خود، خدا، امام و مردم " مسئولند. نظارت در اسلام تنها در چهارچوب وظائف دولت و حکومت خلاصه نمی شود، بلکه تمام افراد جامعه موظفند براساس یک تکلیف شرعی- همچون نماز و روزه- بر امور اجتماعی و رفتار افراد و اطرافیان، نظارت همگانی و عمومی داشته باشند. این موضوع، که در قرآن و روایات تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مورد بحث قرار گرفته، از اهمیت زیادی برخوردار است. نظارت همگانی در کنترل جامعه، کنترل حکومت و تقویت نظام به منظور فراهم آوردن سعادت تام برای ابنای امت اثری روشن، فعال و تأثیری بلند مدت بر جای می‌گذارد. با استفاده از نظارت همگانی، که بر فرضیه و تکلیف «امر به معروف و نهی از منکر» متکی است، می‌توان بیشتر جنبه‌های عملکرد را تحت نظارت درآورد. رسانه‌ها یکی از ارکان دموکراسی و یکی از نهادهای جامعه مدنی هستند که نقش بسزایی در این خصوص دارند. ایجاد نظارت در امور سیاسی و حیاتی با مشارکت مؤثر مردم در اداره امور کشور و تصمیم‌گیریها و رواج نقد و انتقاد سازنده و تشکیل نهادهای مردمی غیردولتی نظیر شوراهای از طریق مطبوعات و رسانه‌های دیداری و شنیداری تضمین خواهد شد. مطبوعات و رادیو و تلویزیون در جهت دهی به فرهنگ سیاسی جامعه مؤثر، و مهمترین نقش را در رشد و تعالی فرهنگ سیاسی جامعه در نظارت بر امور جامعه و حکومت دارا هستند. این رسانه‌ها به عنوان ابزاری مرتبط با اجزا و نهاد های اجتماعی، همواره ارتباطی دو سویه با نهاد حاکمیت از یک سو و توده های اجتماعی از سوی دیگر برقرار ساخته‌اند؛ به تعبیر دیگر ایجاد وسیله ارتباط جمعی از یک سو به عنوان چشم و گوش جامعه می‌تواند از خوب و بد امور اطلاع یابد و از سوی دیگر به عنوان آینه ای حقیقت نما و زبان گویای جامعه، اطلاعات خود را در معرض افکار عمومی قرار دهد. در این تعامل دو گانه، نقاط ضعف و یا قوت و صلاح نیز نمایان می‌شود. رسیدن به این مقصود زمانی امکانپذیر است که این رسانه‌ها ارائه اخبار و اطلاعات صحیح را در زمره مسئولیت و تعهد حساس خود به شمار آورند و با مطرح کردن دیدگاه‌ها، نگرشها و دانشهای گوناگون، که دائم در حال تغییر است، وسیله انطباق مخاطبان را با ارزشها و نگرشهای نو فراهم سازند و ضمن پیوند دادن آنان با یکدیگر، علاقه و مشارکت آنان را در پیشبرد اهداف ملی برانگیزند.

## ۸. پیشنهادها

- ۱- از آنجا که جامعه ما دینی است، نظارت همگانی نیز باید بر آموزه های دینی مبتنی باشد؛ لذا می‌باید به راهکارهای عملی بر اساس آموزه های دینی در تمامی سطوح مورد توجه قرار گیرد.
- ۲- یکی از مهمترین شرایط تحقق نظارت همگانی، اولویت دادن به آزادی و ایجاد فضای سالم در جامعه است. بدون شک نمی‌توان در موقعیت نبود فرهنگی این اصل، امیدی به فراهم کردن بستری

برای این امر داشت؛ لذا باید فرهنگ نظارت همگانی در ارکان نظام جاری و ساری باشد تا در این عرصه، گامهای اساسی برداشته شود.

۳- اعتماد سازی و فراهم کردن بستری مناسب برای توسعه نظارت همگانی، موضوع کلیدی در این حوزه است. در این راستا با توجه به تأکید قانون اساسی و تأیید مسئولان نظام بر ضرورت توسعه و حضور رسانه ها در این عرصه، تدوین ساز و کار لازم برای بستر سازی رسانه ای بر اساس چارچوب اسلام و آموزه های دینی، ضرورتی انکار ناپذیر است.



## منابع فارسی

۱. قرآن مجید
۲. خمینی (امام) روح‌الله (۱۳۶۳)، صحیفه نور، مجموعه بیانات و رهنمودهای امام خمینی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ دوم، ج ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ج ۱۰، ۱۲، ۱۸، ج ۲۱، ج ۲۷
۳. مقام معظم رهبری (۷۹/۱۲/۹)، نشریه صبح صادق، شماره ۹۹ (۸۲/۲/۱۵)
۴. ابراهیمی، سیدمحمد و همکاران (۱۳۸۵)، نقش سازمان‌های نظارتی در ارتقای سلامت اداری، ماهنامه آئینه با زندان مرکزی استان قزوین
۵. اسماعیلی، محسن (۱۳۸۴)، مشارکت عمومی، حاکمیت و نظارت همگانی در فقه سیاسی و حقوق اساسی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۶. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۶)، مشارکت عمومی، حاکمیت و نظارت همگانی، مجموع مقالات نخستین همایش علمی، تخصصی نظارت همگانی شهرداری تهران، فرهنگ صبا
۷. استونر، جیمز ای. اف، فری‌من، آر. ادوارد، گیلبرت، دانیل آر (۱۳۷۹)، مدیریت، سازماندهی، رهبری و کنترل ترجمه علی پارسائیان، سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
۸. افتخاری، علی اصغر (۱۳۷۹)، رسانه، نظارت، امنیت، تحلیل جامعه‌شناسانه عملکرد نظارتی مطبوعات، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان
۹. الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۹)، استعمارها و ابزار شناخت سازمانی، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۷
۱۰. امامی، باقر (۱۳۸۲)، چگونگی نظارت مردم بر عملکرد دولت طبق مقررات بین‌المللی حقوق بشر، دانشگاه آزاد اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۱۱. بدیعی، نعیم (۱۳۷۸)، روزنامه نگاری نوین، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
۱۲. بحار الانوار
۱۳. حاجیانپور، فرخنده (۱۳۸۶)، بررسی نقش نظارتی سازمان صدا و سیما بر عملکرد دولت، دانشکده صدا و سیما
۱۴. دعاگویان، داود (۱۳۸۶)، کارکردهای اعتماد ساز و مشارکت ساز نظارت همگانی در جامعه، مجموع مقالات دومین همایش علمی، تخصصی ناجا و نظارت همگانی
۱۵. روزبه، محمد حسن (۱۳۸۳)، نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر، تهران، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر
۱۶. ساروخانی، باقر (۱۳۶۷)، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات اطلاعات
۱۷. سیدجوادی، رضا (۱۳۸۲)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات نگار دانشی

۱۸. سورین و تانکارد، ورنر جی، جیمز دبلیو (۱۳۸۱)، نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا هقان، انتشارات دانشگاه تهران
۱۹. صادقیپور، ابوالفضل (۱۳۸۶)، نظارت یا کنترل، نشریه مدیریت دولتی شماره ۲۲
۲۰. شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۱)، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی
۲۱. شیخ، محمدعلی (۱۳۸۶)، مشارکت مردمی و ضوابط جمع آوری اخبار از طریق ناظران، مجموع مقالات نخستین همایش علمی، تخصصی نظارت همگانی شهرداری تهران، فرهنگ صبا
۲۲. صادقی، منصور (۱۳۸۶)، نظارت در سازمان، مجموع مقالات نخستین همایش علمی - تخصصی نظارت همگانی شهرداری تهران، فرهنگ صبا
۲۳. صفار، محمد بن حسن، (۱۳۸۱)، فضائل اهل البیت، بصائر الوریات، تعلیق و تصحیح میرزا محسن «کوچه باغی» تهران، اعلمی
۲۴. عبدالله پور، مهران (۱۳۸۲)، نظارت همگانی در جمهوری اسلامی و رابطه آن با حقوق و آزادی های عمومی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی
۲۵. علی احمدی، علیرضا (۱۳۸۲)، نقش ارزشهای اسلامی در فراین نظارت و کنترل سازمان، تهران، تولید دانش
۲۶. فردین، علیخواه (۱۳۸۲)، نظارت اجتماعی و نقش صدا و سیما در آن، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
۲۷. کامرانی، علیرضا (۱۳۸۰)، نظارت عمومی و رابطه آن با آزادی های عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تحصیلات تکمیلی
۲۸. گرانمایه پور، علی (۱۳۸۶)، نقش فرهنگ سازمانی در مدیریت رسانه، فصلنامه رسانه، سال هجدهم شماره ۳، شماره پیاپی ۷۱
۲۹. مجموع قوانین و مقررات صدا و سیما ۱۳۱۱ تا ۱۳۸۰ (۱۳۸۲)، تهران، معاونت امور مجلس و استانها
۳۰. محمودی، عبدالله (۱۳۷۹)، مدیریت، رسانه و مدیریت رسانه ای، فصلنامه پژوهش و سنجش شماره ۲۳ و ۲۴
۳۱. محمودی، علیرضا (۱۳۸۶)، مبانی طراحی نظام جامع نظارت همگانی شهرداری تهران، مجموع مقالات نخستین همایش علمی، تخصصی نظارت همگانی شهرداری تهران، فرهنگ صبا
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، مجموعه آثار، ج ۶، انتشارات صدرا، تهران.
۳۳. معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۶)، حقوق ارتباطات، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها
۳۴. معصومی، حسین (۱۳۸۳)، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه مدیریت اسلامی، انتشارات هدایت

۳۵. مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲)، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۰)، تفسیر نمونه، انتشارات دار کتب الاسلامیه، بی تا
۳۷. میرزای گلپایگانی، حسین (۱۳۷۸)، تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، نشر گلشن.
۳۸. میر محمدی، سید محمد (۱۳۸۳)، الگوهای نظارت و کنترل در نظام اداری جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات سمت

### فهرست انگلیسی

1. Altshul, Herbert (1981) , Agent of Power, White Plain, New york: Longman Publication
2. Seaton F. (1994) , Power Without Responsibility, chapter 7, London: The journal of Media Economic
3. Hachten, William. A (1981) , The World News Prsim: Changing Media, Clashing Ideologies. Ames: Lowa University Press
4. Head, Sedney (1985) , The World Broadcasting System, London
5. Keane, John (1991) , Power, The Press and the Thecnology of Freedom, New York Sage Publication
6. Merril, john C. and Ralph L. Lowenstein (1979) , Media, Message and Men: New
7. Picard, R (1989) , Media Economic: Concept and Issues. London: Sage Publication
8. Schramm, Wilbur and Rivers, William (1968) , Responsibility in Mass Communication. New york: Harper & Row publishers
9. Sibert, Fred, Peterson, Theodore; Schramm, Wilbur (1956) , Four Theories of the Press. Urbana: University of Illinois Press
10. Whitney, R. Mundt (1988) , Global Media Philosophies. Pala Alto: Myfield Publishing Company .Edited by John C. Merrill, New york: Longman Publication
11. Wilkin, Peter (2001) , The Political Economy of Global Communication. London: pluto Press
12. Williams, Reymond (1976) , Communication. London: Penguin Books
13. Garnham Nicholas, Contribution to a Palitical Economy of Mass Communication, Media, Culture, and Society, Vol. No, 2
14. Robbins. Stephan (1991) Organization theory. Structure, Design and Aphcations prentice – Hall, international Edition



15. monro j & y. Morritson (Edis) Accountability power: Methods and technologies of managind, London, International Thomas Business press, 1996
16. Richard. Hall (1991), organizations, Structures, processes and outcomes Englewood eliffs, N, j: prentice
17. Schein – H. Edgar (1992) organizational culture and. Second Edition, jossey – Bass

